

پیشخوان

حاشیه‌ای بر بازنشر «بررسی تغییر ایدئولوژی سازمان مجاهدین خلق»

جماعتی در توقفگاه استحالہ!

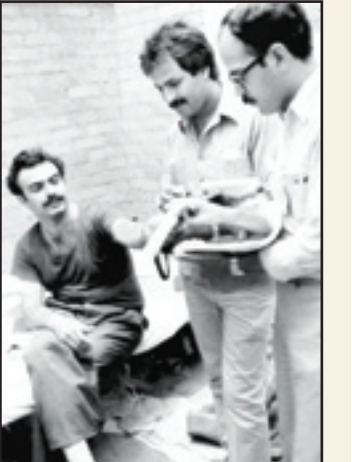
■ محمد رضا کاینی

اثری که هم اینک به مخاطبان این صفحه معرفی می‌شود، رویداد تاریخی تغییر ایدئولوژی در سازمان موسوم به مجاهدین خلق را مورد بازخوانی و تحلیل قرار می‌دهد.

اهمیت این کتاب در آن است که اسناد مربوط به

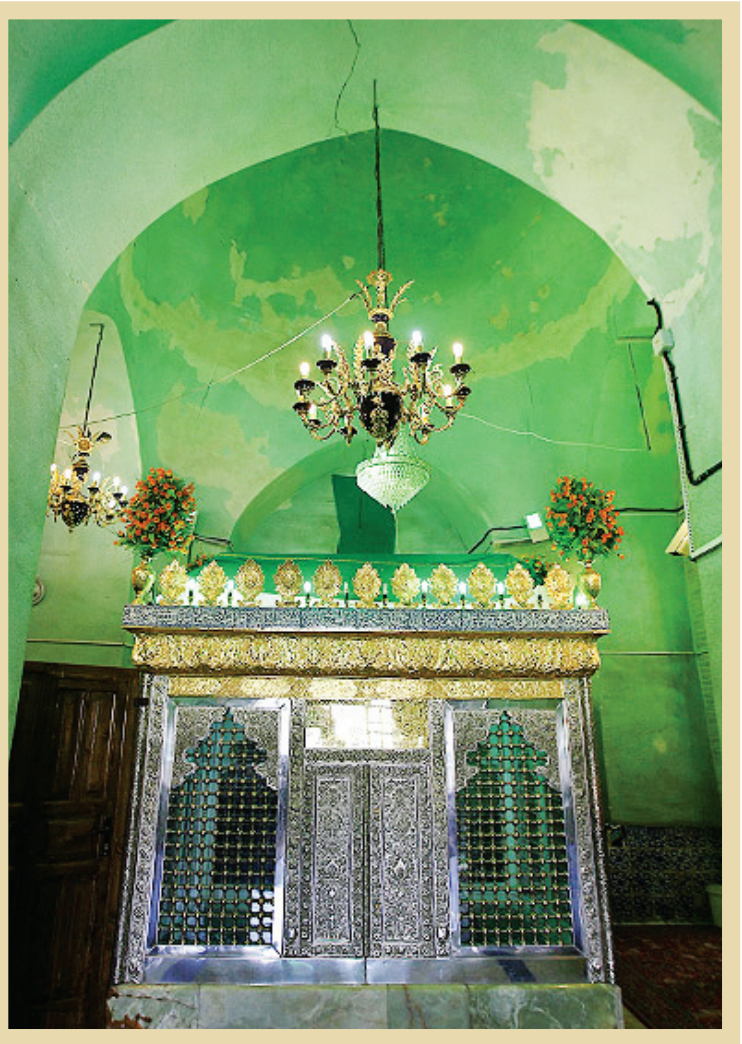
این رویداد مهم و تاریخی را جمع و در قالب دفتری واحد، به تاریخ پژوهان ارائه کرده است. این مجموعه از سوزی مظفر مخفی مهرآبادی تألیف شده است و مرکز اسناد انقلاب اسلامی آن را نشر داده و به چاپ دوم رسانده است. تارنمای نشر در مقالی، محتوای این پژوهش را به ترتیب بی‌امده معرفی کرده‌است:

«این کتاب که در سال ۱۳۸۴ چاپ شده بود، اکنون با اضافه شدن متن کامل بیانیه تغییر ایدئولوژی، جزوه سبز و نامه مجتبی طالقانی به پدرش تجدید چاپ شده است. این سه جزوه، برای نخستین‌بار منتشر می‌شوند. در این کتاب، حکایت ارتداد مرکزیت مجاهدین‌خلق در سال‌های ۱۳۵۴-۱۳۴۲ و ریشه‌ها و مبانی نقاط نفیته در آموزش‌ها و باورهای این گروهک، تشریح و بررسی شده است. گفت‌وگوهای مستقیم با برخی از مؤثران و شاهدان آن رویداد، ارائه اسناد بی‌واسطه از مسیبان تغییر ایدئولوژی و نقل آرا و نظرات گوناگون درباره حوادث آن سال‌ها، از جمله مطالب کتاب حاضر است که با دقتی درخور، گزینش و ویرایش شده و برای ثبت در تاریخ و آگاهی نسل‌های بعدی، در این مجموعه عرضه شده است. این کتاب در ۹ بخش تدوین شده است. در بخش اول نویسنده در دو فصل، از دگرگونی در نیروهای سیاسی تاروکرد عمومی



۱۳۵۸. تقی شهرام پس از دستگیری و زندان

به مبارزه مسلحانه را مورد بررسی قرار می‌دهد. بخش دوم در سه فصل، سازمان مجاهدین خلق را از تأسیس تا ضربه نخست در شهریور ۱۳۵۰، مورد مطالعه قرار داده است. بخش سوم کتاب که خود شامل دو فصل است، گام به گام به تغییر ایدئولوژی سازمان می‌پردازد. بخش چهار کتاب، خود شامل سه فصل است. در فصل اول تقی شهرام، معرفی می‌شود. در فصل دوم دوره‌های زمانی سازمان، صف‌های تشکیلاتی و جالش‌های پس از تغییر ایدئولوژی و آکاوی شده است. فصل سوم از این بخش نیز به ترورهای ایدئولوژیک و ترورهای غیر ایدئولوژیک و مرگ‌های مشکوک اختصاص دارد. بخش پنجم کتاب حاضر، سه فصل را دربر دارد که در فصل اول وضعیت گروه‌ها در زندان و در فصل دوم فتوا یا نقل فتوا علیه مارکسیست‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. فصل سوم تحت عنوان ماندن یا رفتن؟ به اظهارنظرهای جمعی از مبارزان سازمان که روند تغییر ایدئولوژی را برای جامعه خطرناک می‌دانستند، اشاره شده است. بخش ششم در دو فصل، به بحث ریشه‌یابی انحراف و استحالته می‌پردازد. گاهشمار کتاب حاضر در فصل هفتم آمده و بخش هشتم، ضمامت را دربر گرفته است. متن کامل بیانیه تغییر ایدئولوژی، جزوه سبز و نامه مجتبی طالقانی به پدرش همچنین نامه سرگشاده عناصر مذهبی خارج از کشور به مرکزیت، در این بخش در اختیار مخاطبان قرار می‌گیرد. اسناد و تصاویر کتاب نیز در بخش نهم ارائه شده است. چاپ دوم کتاب بررسی تغییر ایدئولوژی سازمان مجاهدین خلق ایران در سال ۱۳۵۴، در ۴۴۴ صفحه به بهای ۱۱۰ هزار تومان منتشر شده است. علاقه‌مندان برای تهیه این کتاب ضمن رجوع به صفحه‌منشورات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، می‌توانند به فروشگاه این مرکز واقع در خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، بعد از خیابان زاندرامی، نبش مجتمع ناشران مراجعه کنند...»



نمای از شروع مراسم،ملک خاتون در شهر ری

سیده ملک خاتون با تدبیری در خور قلمروی آل بویه ره اداره کرد تا اینکه مناطق تحت حاکمیت آل بویه را نمود. وی ابتدا نامه‌ای به سیده ملک خاتون نوشت و او را دعوت به تسلیم کرد. سیده اما در جواب نامه سلطان محمود نوشت: «اگر بر ری پیروز شوی، همه خواهند گفت پادشاه غزنویان زنی را شکست داده است و اگر در این جنگ شکست بخوری، در تاریخ ثبت می‌شود که تو از یک زن شکست خورده‌ای...» این نامه باعث هوشیاری سلطان محمود شد و او را از حمله به ری بازداشت

نظری بر کار نامه و عملکرد سیده ملک خاتون دیلمی تنها بانوی پادشاه دوره اسلامی در ایران

اگر پیروز شوی زنی را شکست داده‌ای اگر پیروز نشوی از زنی شکست خورده‌ای!

(طبرستان، کرج و ری) را به تملک خود درآورد. علی مشهور به عمادالدوله، اصفهان و سپس فارس را از آن خود و خاندان دیلمی کرد. سپس احمد مشهور به معزالدوله کرمان و خوزستان را تسخیر کرد. اما این ابتدای ماجرا بود، زیرا چند سال بعد یعنی در سال ۳۲۴ هجری قمری، معزالدوله توانست به عراق حمله و بغداد را تصرف کند.^(۱)

■ **وقتی برادران دیلمی، شیعه ۱۲ امامی شدند**

البته باید این نکته را در نظر داشت که برادران دیلمی ابتدا و تا زمانی که از فرماندهان لشکر مردابی بودند، جزو شیعیان چهار امامی محسوب می‌شدند، اما بعد از رسیدن به قدرت و شاید ارتباط با علمای شیعه ۱۲ امامی، به سلک شیعیان اثنی عشری در آمدند. آنها در زمان تصرف ولایات مختلف، راه افراط مذهبی در پیش نمی‌گرفتند،

بلکه علمای بزرگ شهرها را از جملند می‌شمردند و با احترام با ایشان بر خورد می‌کردند، به طوری که تسکیم عبدالله بن خفیف شیخ کبیر از علمای برجسته اهل سنت در شیراز از سوی آنها در تاریخ مورد توجه قرار گرفته است. همچنین ایشان در هیچ مکان و زمانی در دوران حاکمیت پیش از یک قرنی خویش، نه تنها اهل سنت را از انجام اعمال مذهبی خویش منع نکردند که حتی در مواردی به مدارس علمیه و مراسم آنها کمک هم می‌کردند و مدالته که در کنار محترم شمردن علمای سایر مذاهب اسلامی، به تعظیم شعائر مذهبی تشیع نیز اقدام کرده بودند، مانند برپایی مجالس عزاداری در روزهای تاسوعا و عاشورا و برپایی جشن مفصل عیدغیر- جشنی که به فرمان معزالدوله در سال ۳۵۲ ه‍.ق، از ۱۸ ذی الحجه آغاز می‌شد و تا فردای آن روز ادامه می‌یافت. این مراسم عزاداری و جشن تا زمان سقوط آل بویه در تمام مناطق شیعه‌نشین قلمروی آنها برپا می‌شد. دیگر اینکه باید این نکته مهم را هم درباره این سه برادر در

نظر داشت که برادر کوچک تر نسبت به برادر بزرگ تر بسیار فرمانبردار و خاضع بود و این ادب و خضوع موجب می‌شد اتحاد میان آنها حفظ شود و بدخواهان نتوانند روابط حسنه آنها را بر هم زنند و آتش حسادت میان آنها را شعله ور کنند.^(۲)

■ **فخرالدوله و صاحب بن عباد**

بعد از گذشت دوران پادشاهی سه برادر و فوت آنها، ابتدا پسر احمد یعنی بختیار مشهور به عزالدوله پادشاهی کرد، سپس سه پسر رکن الدوله حسن به ترتیب دوران سلطنت خود را آغاز کردند. به این شکل که ابتدا عضدالدوله، سپس مؤیدالدوله و سپس فخرالدوله حاکم شدند اما از آنجا که عمر عضدالدوله و مؤیدالدوله کوتاه بود، هر دو دوران پادشاهی بسیار کوتاهی را تجربه کردند.البته همان دوران کوتاه پادشاهی در پسر رکن الدوله، همراه با علم و عالم پروری بود، به ویژه اینکه مؤیدالدوله وزیری شیعه و بسیار کاردان و عالم به نام «صاحب بن عباد» داشت. فخرالدوله وی را به عنوان مشاور و وزیر خویش انتخاب کرد، انتخابی که موجب شد قدرتش تثبت شود و حتی از جانب خلیفه عباسی مورد تأیید قرار گیرد و لقب «فلک‌الاملا» را هم از وی دریافت کند. لقبی که در پی آن، رقبای اهل سنت وی در دنیای سیاست سیدسته شدند.^(۳)

در این دوره آل بویه به جهت فرهنگی، اقدامات بسیار مهمی انجام داد و همین اقدامات فرهنگی نیز موجب بلندآوازه شدن نام این خاندان در تاریخ ایران شد. قطعاً از عوامل مؤثر رشد شیعه در دوران آل بویه، وجود همین وزیر دانشمند مؤیدالدوله و فخرالدوله، یعنی «صاحب بن عباد» بود. وی به دلیل تسلط کامل بر علوم و فنون مختلف، طی حدود ۲۰ سال وزارت در دوران حکومت آل بویه، نقشی اساسی و ماندگار از خود به یادگار گذاشت. صاحب بن عباد در شهر ری، به عنوان وزیر «مؤیدالدوله» و «فخرالدوله» خدمت کرد و در دوران صدارت خود، علاوه بر رسیدگی به وضع



کتیبه‌ای کاشی کاری در محوطه قبر سیده ملک خاتون در شهر ری

زندگی علما و فقهای ساکن ری، هرسال ۵هزار دینار برای علمای بغداد می‌فرستاد تا در امور مربوط به حوزه‌های علمیه صرف کنند. این عالم بزرگ همچنین در «ری»، کتابخانه عظیمی با ۲۰۶ هزار کتاب تأسیس کرد که به عنوان یک منبع مورد وثوق فقهای شیعه و از جمله شیخ صدوق، مورد بهره برداری قرار می‌گرفت. شیخ صدوق به عنوان تقدیر از صاحب بن عباد، کتاب «عیون اخبار رضا- علیه السلام-» را تألیف و به خزانه کتابخانه او اهدا کرد.^(۴)

■ **فخرالدوله و از دواج با ملکزاده شیرین**

فخرالدوله در سال‌های ابتدایی بر تخت نشستن با شورش و نافرمانی برخی برادرزاده‌ها و سران طوایف مواجه شد، اما با کمک گرفتن از صاحب بن عباد، توانست بر مشکلات فراوانی که سر راه حکومتش ایجاد شده بود، فائق آید. او بعد از پشت سر گذاشتن چندین شکست و ایام تبعید در خراسان، دوباره قدرت را در دست گرفت و توانست رزام امور را در دست بگیرد و دقیقاً در همین سال یعنی ۳۷۳ ه‍.ق، با دختر رستم بن شروین از سهبیدان باوندی ازدواج کند. این دختر که «شیرین» نام داشت، بسیار مدبر، کاردان و اهل فرهنگ بود و همین کاردانی وی موجب شد شوهرش را برای موفقیت در اداره کشور یاری کند، به طوری که با تدبیر وی، فخرالدوله توانست در سال ۳۷۵ ه‍.ق، شورش محمد بن غانم برزیکانی در قم و در سال ۳۷۸ قمری هم شورش نصر بن احمد فیروزان در دامغان را سرکوب کند و دیگر مخالفی در سرتاسر قلمروی خویش نداشته باشد.

با این همه بعد از فوت صاحب بن عباد در سال ۳۸۵ ه‍.ق، عملاً شیرین بانو که دیگر با لقب «سیده ملک خاتون» نامیده می‌شد، قدرت را در حکومت همسرش آن هم در شرایطی که فخرالدوله بیمار بود، به دست گرفت و به تدبیر امور کشور پرداخت. از آنجا که بیماری فخرالدوله تشدید شد و اندکی بعد رحلت کرد، سیده ملک خاتون با تدبیر توانست نظر مثبت فرماندهان و بزرگان دیلمی را برای به قدرت رساندن پسر هشت ساله‌اش «بوطالب رستم» ملقب به «مجدالوله» جلب کند و این درحالی بود که بزرگان دیلمی، سیده ملک خاتون را به نیابت از سلطنت مجدالدوله پذیرفته بودند و او هم عملاً زمام اداره کشور را در دست گرفت.

البته این بانو حکومت همان را به پسر دوشم به نام «بوطالب شاه خسرو» هفت ساله ملقب به «شمس الدوله» داد و حکومت اصفهان را هم به پسر چهار ساله‌اش عین الدوله واگذار کرد. اما وی برای اداره و پیشبرد امور این مناطق، افرادی از اقوام و بستگان خود را که مردانی کاردان، شجاع و مدیر بودند به عنوان جانشینان پسرانش در آن ولایات مستقر می‌کرد، به عنوان مثال پسردایی خود ابوجعفر محمد بن دشمنزبار را راهی اصفهان کرد تا آنجا را اداره کند، اما خود بر نحوه مدیریت و حکومتداری این بستگان نظارت می‌کرد.^(۵)

■ **جنگ و صلح پسران با مادر**

سیده ملک خاتون با تدبیری در خور قلمروی آل بویه را اداره کرد تا اینکه سلطان محمود غزنوی که به منطقه شرق کشور و به ویژه خراسان بزرگ حکومت می‌کرد، قصد ری و مناطق تحت حاکمیت آل بویه را نمود. وی ابتدا نامه‌ای به سیده ملک خاتون نوشت و او را دعوت به تسلیم کرد. سیده ملک خاتون اما در جواب نامه سلطان محمود نوشت: «اگر بر ری پیروز شوی، همه خواهند گفت پادشاه غزنویان زنی را شکست داده است و اگر در این جنگ شکست بخوری، در تاریخ ثبت می‌شود که تو از یک زن شکست خورده‌ای...» این نامه باعث هوشیاری سلطان محمود شد و او را از حمله به ری بازداشت و تا خاتون زنده بود، ری از حمله غزنویان در امان ماند.

به هر حال شیرین بانو بر قلمروی آل بویه حکومت می‌کرد تا مجدالدوله به سنن ۱۸ سالگی رسید. در این مقطع الخطیر ابوعلی بن علی قاسم وزیر مجدالدوله، شروع به پدگویی از سیده ملک خاتون نزد مجدالدوله کرد و در این راه امرای دولت را هم با خودش همراه کرد. او بدین شکل مجدالدوله به مادرش پادشاه شد و قصد زندانی کردن وی را کرد اما سیده ملک خاتون که از ماجرا با خبر شده بود نزد یکی از بستگانش به نام بَدر بن خَتنویه رفت، اندکی بعد پسر دیگرش شمس الدوله با لشکر همدان به او پیوست و همه به ری تاختند و آن دیار را تصرف کردند. مجدالدله اسیر شد و به فرمان مادرش به زندان رفت و قلمروی او به شمس الدوله منتقل شد. یک سال بعد که میان سیده خاتون و شمس الدوله اختلاف افتاد، مجدالدوله را از زندان بیرون آورد و باز بر تخت نشاند، به همین سبب، شمس الدوله چند سال بعد به ری تاخت. مجدالدوله و مادرش به دماوند گر یختند و شمس الدوله در سال ۴۰۵ هجری قمری بر آن دیار چیره شد. با این همه، به علت شورش سپه‌ا، به همدان بازگشت و به این ترتیب مجدالدوله و سیده خاتون توانستند به قدرت بازگردند. در همین سال ابوعلی، حسین بن عبدالله سينا دانشمند و فیلسوف شهیر، از گرگان وارد ری شد و مجدالدوله را که بیمار شده بود، معالجه کرد و کتاب المعاد را همانجا نوشت. قبل از ورود این سينا به قلمروی آل بویه، وی نزد سامانیان به امر مطالعه و تحقیق مشغول بود، اما با قدرت یافتن محمود غزوی و مخالفت او با شیعیان، مجبور شد از

روزنامه جوان | شماره ۶۶۸۶ | ۹ جوان

خراسان خارج شود و خود را به قلمروی آل بویه و دربار سنیده ملک خاتون برسانند. پس از آن ابوعلی مورد لطف و محبت سنیده ملک خاتون و پسرانش قرار گرفت و ایشان چون حالات نفسانی او را شنیده بودند، در تعظیم او کوشیدند. کتابخانه مجدالدوله چنانا غنی بود که ابن سینا، مدت‌ها در دربار او اقامت کرد و از کتاب‌های آن که بیشتر در علم نجوم و حکمت بود، استفاده کرد. البته این تنها ابوعلی سینا نبود که مورد مرحمت و حمایت سلاطین آل بویه قرار گرفت، زیرا قبل از او شیخ مفید به عنوان عالمی شیعی - که مورد توجه خاص حضرت ولیعصر (عج) بود- نزد حاکمان آل بویه حضوری همراه با عظمت و کرامت داشت و عضدالدوله، بارها به زیارت وی رفت. شیخ صدوق نیز با دعوت رکن الدوله به ری آمد. سید رضی - یکی از بزرگ‌ترین دانشمندان شیعی آن زمان - به فرمان بهاالدوله دیلمی، به عنوان نقیب علویان عراق و قاضی القضاة حکومت آل بویه منصوب شد. همچنین می‌توان از علمای برجسته‌ای چون سید مرتضی، شیخ طوسی از فرمان بهاالدوله دیلمی، به عنوان ال بویه همکاری داشتند. البته جز علمای علوم دینی، می‌توان به اصطخری جغرافیدان، ابوالوفای بوزجانی ریاضیدان، النسوسی - که اعداد هندی را رایج کرد - و بالاخره پزشکان برجسته‌ای چون المجوسی اشاره کرد که مورد حمایت آل بویه بودند. به علاوه اینکه تعدادی از کتاب‌های شیعی که در آن دوران نوشته شده، مانند کتاب «من لا یحضره الفقیه» تألیف ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه معروف به شیخ صدوق و «الاستبصار» و «تهذیب الاحکام»، تألیف ابوجعفر محمد بن حسن معروف به شیخ طوسی که هر سه از کتب اصلی و اصول چهارگانه شیعه به شمار می‌روند، با حمایت فرهنگی آل بویه نوشته شده است. همچنین می‌توان به کتاب‌های الشفاء، القانون والاشارات شیخ الرئیس ابوعلی سینا هم اشاره کرد. عصر آل بویه از نظر کتاب و کتابخانه هم نسبت به عصرهای دیگر امتیاز داشت، در آن زمان در هر رشته از علم و ادب، بهترین و نفیس‌ترین کتاب‌ها نوشته شد و با شکو‌ترین و مهم‌ترین کتابخانه‌ها به وجود آمد. در ایران، عراق و مصر کتابخانه‌هایی بود که در هیچ زمانی نظیر نداشت.^(۶)

■ **مرگ سیده ملک خاتون و عاقبت آل بویه**
سیده ملک خاتون نزدیک به ۷۰ سال عمر کرد و در سال ۴۱۹ هجری قمری در گذشت. این درحالی بود که هشت سال قبل از آن، پسر دوشم شمس الدوله را به خاطر بیماری از دست داده بود. به هر حال پس از مرگ وی، پسرش مجدالدوله از دفع توطئه امرآ و رقیبان دیلمی عاجز شد و برای غلبه بر دشمنان داخلی حکومتش از سلطان محمود غزنوی یاری خواست. محمود هم البته به بهانه باری وی، سپاه بزرگ خود را در سال ۴۲۰هجری قمری به ری آورد و اینچنین مجدالدوله به دستور سلطان محمود دستگیر و به هندوستان تبعید شد و به این ترتیب، حکومت آل بویه در قلمروی وسیعی از ایران خاتمه پیدا کرد. اما شاید بتوان گفت که اقدام ضدفرهنگی محمود غزنوی در ری آن بود که کتابخانه معروف دربار دیلمیان را به آتش کشید و تعدادی از اندیشمندان و متفکران آنجا را به جرم زندیق و ملحد بودن به دار آویخت!

■ **و کلام آخر**

گفتنی است سیده ملک خاتون در قبرستانی در حوالی ری دفن شد و مزار او برای اهالی ری، قابل احترام و محل زیارت بود. برخی وی را از نسل سادات و از نسل امام موسی بن جعفر (ع) دانسته و برخی به جد در امامزاده و از نسل سادات بودن وی تشکیک کرده‌اند، اما به هر روی مزار وی محل احترام و تعظیم بود، تااینکه زمان فتحعلی شاه قاجار بقعه‌ای آجری ر و زیبا بر مزار وی ساخته شد. طبق کتیبه سنگ مرمری که از آن دوره باقی است، معلوم می‌شود مزار وی از سوی «نواب علیه سلطنت خاتم» ملقب به «محترم‌السلطنه» فرزند «میرزای عمادالدوله»، در سال ۱۳۰۹ هجری قمری تعمیر شده است. همچنین در سال ۱۳۸۱.ش ضریح چوبی فرسوده مزار این بانو، با ضرخی طلایی تعویض شد. در ضمن در قسمت جنوبی مزار این بانو، دو تن از شهدای قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲.ش و در بخش غربی مزار این بانو، پنج شهید گمنام مدفون شده‌اند.

■ **منابع:**

- کبیر، مغیز امفیضی الله - مورخ هندی - ، «آل بویه در بغداد» - خلافت در سرپنجه قدرت ایرانیان - ، ترجمه مهدی افشار، انتشارات حیدری، چاپ اول ۱۳۸۱.ش، صفحات ۱۷ و ۱۹ و ۲۴ و ۲۵
- الهامی، داود، مقاله «آل بویه نخستین سلسله قدرتمند شیعه». ماهنامه مکتب اسلام، شماره ۴، آبان ۱۳۷۹.ش
- کبیر، مصی، ۲۶۹ و ۲۷۰
- معارف، مجید، «صندوق؛محدث صادق»، انتشارات همشه‌ری، چاپ اول ۱۳۸۸.ش، ص ۶۵
- رحبی، محمدحسن، «مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی» - از آغاز تا مشروطه- ، انتشارات سروش، چاپ اول ۱۳۷۴.ش، صص ۱۲۷ و ۱۲۸
- قنقیسی، علی اصغر، «تاریخ آل بویه»، نشر سازمان سمت، چاپ ۱۳۷۸.ش، ص ۵۲ تا ۵۳ - و حسینیان مقدم و دیگران، حسین، «تاریخ تشیع»، جلد دوم، انتشارات سمت، چاپ نهم ۱۳۹۳.ش، ص ۱۶ تا ۱۷